



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۲/۲۸



م، نعیم بارز

سرود شکست قشون سرخ!

نوشته ای تحت عنوان سرود شکست قشون سرخ در سال ۱۳۶۹ که نشر اندیشه های آزاد جا در میان نشرات افغان ها نداشت، ناگذیر یک سلسله مقالاتم در یکی از نشریه هفتگی به اسم «نامه جمهوری» مربوط دوستان ایرانی مقیم پاریس به نشر می رسیدند و بدانگونه مطالب مربوط به اوضاع کشور را به دوستان افغان می رساندم. لذا اینک به مناسبت بیست و هفتمین سال خروج قوای شوروی از افغانستان نشر مجدد و یادی از آن تجارب گذشته در سایت وزین «آریانا افغانستان آنلاین» بی مورد نخواهد بود.

سرود شکست قشون سرخ!

بیش از هفتاد سال قبل از امروز، تروتسکی یکی از رهبران بلند پایه حزب کمونیست روسیه، قشون سرخ را بنیان گذاری نمود، از آن هنگام تاکنون از این اردو منحصی بزرگترین وسیله در ظاهر با تبلیغات تحقق آرمان های عوام فریبانه ولی در واقعیت امر تسخیر گام به گام جهان، دیکتاتوری و ضد آزادی و حقوق بشر از آن استفاده شده است.

تزاریزم را شکست داده، قدرت دولتی اش را از آن حزب کمونیست نموده، صدای آزادیخواهی را در داخل روسیه و در مستعمرات تزاریزم بیشتر از پیش خفه نموده و در دوران دیکتاتوری ستالین از بیست تا سی میلیون مردم شوروی را به قتل رسانده که به اعتراف خروج و اخیراً تحت رهبری گرجف، قضایای متعدد و افشای گورهای دسته جمعی جنایات حزب و دولت به اثبات رسیده اند و همینطور زیر نام وظایف انترناسیونالیزم پرولتری، حزب به وسیله اردوی سرخ به استعمار گشائی پرداخته، به عنوان دفاع مشترک در مقابل حملات قوای هیتلری پا به کشورهای اروپای شرقی و شمالی گذاشته، دولت های مردمی را در آنجاها از بین برده و کشورهای مذکور را تحت تسلط شوروی درآورده و به بهانه دفاع از سوسیالیزم و به اصطلاح دفاع از احزاب برادر و به بهانه احساس خطر از سوی امپریالیزم، به کشورهای پولیند و چکوسلواکی هجوم برده و از تحولات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه آنها جلوگیری کرده و به این شکل جنایات و خیانت های قشون سرخ، حزب و دولت شوروی هنوز هم پایان نیافته اند.

دولت شوروی این جهان خوار در سال ۱۹۷۹ افغانستان را مورد تجاوز نظامی وحشیانه قرار داده و در طی ده سال طولانی برای سرکوب مقاومت شجاعانه مردم ما، به جز سلاح اتمی از هر سلاحی کار گرفته و به قول یکی از روزنامه

های استوانیای شوروی که به تاریخ ۴- ۲- ۱۹۶۸ از طریق رادیوی آزادی پخش گردیده، بیش از یکونیم میلیون سرباز شوروی در افغانستان جنگیده و دستکم پنجاه هزار سرباز آن کشته شده و ده ها هزار زخمی گردیده اند.

اضافه از شصت هزار تن مواد نظامی در جنگ های ده ساله افغانستان به مصرف رسیده و برای مردم ما که تلفات اصلی را متحمل شده، از سوی اردوی خون آشام شوروی بیش از یکونیم میلیون نفر به قتل رسیده و حدود بیش از ششصد هزار، مرد و زن و طفل زخمی و معیوب بر جا گذاشته و پنج میلیون نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده، نود در صد آبادی ها و محصول صدها سال کار و تلاش مردم از بین رفته و حتی به قول ببرک کارمل که ضمن یکی از سخنرانی ها در زمان ریاست جمهوری اش بیان داشته است در اثر جنگ ها اضافه از چهل میلیارد دالر خساره مالی بکشور وارد گردیده است.

با این وضع مردم افغانستان چنان بی تفاوت و بی خاصیت نیستند که در برابر اعمال وحشیانه زور سر تسلیم فرود آورند.

این را نه تنها در حال حاضر مقاومت سرسخت مردم ما در برابر تجاوز روسیه شوروی بلکه صحیفه ای تاریخ گذشته در مقابل استیلا گران عرب و استعمار برتانیه کبیر نیز نشان میدهد که ملت افغان هرگز به بردگی گردن نه نهاده و اینک یکبار دیگر این حقیقت را حتی از کلمات اردوی سرخ در موقع خروج شان از خاک افغانستان نیز میتوان شنید. در سرود قشون سرخ گفته می شود:

«مردم افغانستان برای دفاع از دین و وطن خویش می جنگند.

و ما به خاطر ماشین جنگی.

ما این جنگ را باختیم و توانش را با خون خود پرداختیم».

بلی خون اردوی سرخ روسیه شوروی در بسیار سرزمین های بیگانه ریخته شده است اما در مقابل پیروزی هایش همیشه آنرا نادیده گرفته اند و به افتخار از آن یاد نموده اند. خوب شد بالاخره برای نخستین بار در طول حیات دولت کمونیستی روسیه، در سر زمین افغان ها مزه تلخ شکست و حقارت را هم چشید.

به باور من این شکست اردوی سرخ یک شکست تاکتیکی نبوده بلکه شکست ستراتیژیک حقارتبار از سوی مردم تهنی دستی بوده که نه تنها برای اردوی سرخ روسیه شوروی و حزب کمونیست و دولت آن کشور یک شکستی است که کاخ کرملین را به لرزه در آورده و شکاف های عمیقی در همه زمینه ها از جمله در سیاست و اقتصاد آن کشور ایجاد نموده که امروز تاریخ هفتاد ساله آن کشور از سوی مردم آنجا زیر سؤال قرار گرفته است.

متأسفانه رهبران شوروی بسیار دیر بعد این را دریافتند که افغانستان چکوسلواکی و مجارستان نیست که نیروهای اشغالگرش سال های دراز را به راحتی در آنجا بیارامند.

امیداریم که با این درس عبرت به ادامه دهندگان راه تزاریزم فکر و خیال تجاوز و استیلا جویی را برای همیشه از سرشان دور نموده باشیم.

با درک این مسأله گفته میتوان که جانبازی و قربانی مردم ما بیهوده نبوده و خونها بی جهت نریخته، پر واضحست که ما نه تنها برای دفاع از خود و سرزمین خود جنگیده و قربانی داده ایم بلکه در این پیکار بر حق برای کشور های همسایه و آنهایی که خود را از سوی دولت شوروی در خطر می دیدند، نیز قربانی داده ایم، ولی با بیان این مطلب از هیچ کشوری و از هیچ کسی انتظار پاداش و توقع کمک نداریم فقط از کشورهای همسایه و دولت ها خواستار آنیم که

بعد از این به امور کشور ما مداخله نکنند و در تعیین سرنوشت مردم این مرز و بوم الگوی رژیم های خود را به ما نسخه ندهند.

در مورد دولت دست نشاندۀ شوروی باید گفت چندان مسأله مهمی نیست، مردم ما همان طوریکه توانست به تنهایی قوای مهاجم روسیۀ شوروی را از سرزمین خویش بیرون برانند، بدون شک توان آنرا در خود دارد که رژیم دست نشاندۀ روس را به زودی از بین برده و با همه بغرنجی اوضاع جاری طریق تعیین سرنوشت آیندۀ خود را دریابد.

در این لحظه ای که به نوشتن این سطور مشغولم، فکر میکنم باوجود شکست و بیرون رفت قوای شوروی از افغانستان، ابر قدرت ها و دولت های همسایه دست از دخالت در امور ما بر نمی دارند، اینها که همه خود را برای افغانستان دایه مهربانتر از مادر معرفی می کنند، چهره و ماهیت واقعی هر کدام شان شناخته شده است، بسیار شرم آور و ننگین خواهد بود که بیش از ده سال دست و پنجه نرم کردن با یک ابر قدرت و جانبازی های قهرمانانه در راه آزادی و استقرار مردم سالاری، اکنون از الگوی رژیم آخندی ایران و رژیم کثیف پاکستان استفاده کنیم که ملت ما چون ملت ایران حتی اختیار پوشیدن لباس و خوراک و راه و رسم زندگی خصوصی و خانوادگی خود را نداشته باشد، در حالیکه این امور شخصی از ابتدائی ترین حقوق افراد یک کشور به شمار می آیند.

کسانیکه اوضاع افغانستان را به علاقمندی و آگاهی تعقیب می نمایند بلا تردید شاهد مداخلات مستقیم و غیر مستقیم دولت های همسایه و دولت های عربی و دولت ایالات متحدۀ امریکا در امور کشور ما می باشند واضح است که در جریان جنگ ده ساله دولت ایالات متحدۀ امریکا یک مقدار سلاح و مهمات و کمک مالی آنهم از طریق دولت پاکستان به مجاهدین افغان نموده است البته منفعتی از این بابت داشته و تا کنون در اثر تبلیغات و بسیج از سوی امریکا روابط کشور های جهان سوم با شوروی سست و ضعیف گردیده و با ایجاد ترس از تجاوز شوروی در میان کشور های مذکور امریکا توانسته است توجه بسیاری آن کشور ها را به سوی خود جلب کرده و در اثر یک سلسله معاملات اقتصادی و نظامی نفع سرشاری عاید خویش نماید و از این بابت است که روز تا روز علاقمندی دولت امریکا نسبت به مسأله افغانستان زیاد شده می رود، بخصوص در این اواخر که اوضاع شوروی در اثر بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدتر از هر زمان دیگر گردیده، دولت امریکا با استفاده از این وضعیت می خواهد پروژه تجزیه شوروی را در پیش گیرد، به همین نسبت می خواهد از قضیۀ افغانستان به حیث یک وسیلۀ خوب و مؤثر نیز استفاده نماید و روی این منظور دولت امریکا پیشنهاد چندی قبل دولت شوروی مبنی بر حل و فصل مسأله افغانستان از طریق بر گذاری کنفرانس بین المللی و دخالت نیروهای پاسدار صلح ملل متحد را، رد نمود.

شوروی ها که از هر لحاظ خود را درمانده یافتند، برای جلوگیری از دخالت حکومت آیندۀ افغانستان در میان مسلمان های آسیای میانه خود را مجبور دیدند که کاری انجام دهند، برای این مقصد پیش از اعلام کمک های زیاد به دولت پاکستان از جمله باز نمودن دروازه های تازه برای صدور فراورده های تجارتي آنکشور در شوروی و در کشورهای احزاب برادر را مطرح نمودند، و معاون وزیر امور خارجه خود را برای مذاکره به مقصد حل و فصل قضیۀ افغانستان به آنکشور فرستادند که همزمان با این مسأله دولت امریکا جهت پیش گیری نسبت آنکه مبدا حکومت پاکستان با دولت شوروی کنار آید بلامعطلی پاکستان را تهدید نموده گفت :

«دولت امریکا اطلاع حاصل نموده که پاکستان سلاح اتمی تولید میکند، به این نسبت دولت امریکا در نظر دارد کمک های خود را به آن کشور قطع نماید» ولی تا جائیکه دیده می شود حکومت جدید بینظیر بوتو سیاست ضیاء

الحق رئیس جمهور سابق پاکستان را در مورد افغانستان تعقیب نموده و برای اطمینان خاطر امریکا وزیر خارجه حکومت ضیاء الحق را سر جایش نگهداشته است، با در نظر داشت ادامه سیاست قبلی حکومت پاکستان که موافق با مواضع حکومت امریکا نیز می باشد، دولت شوروی با فرستادن وزیر خارجه خود برای جلب رضایت و توافق رهبران مجاهدین افغان و حکومت پاکستان به نتیجه مثبت دست می یابد، آنگاه دولت شوروی بیشتر از پیشتر رو به سوی حکومت ایران می آورد که بتواند اقل از به وجود آمدن یک دولت وابسته به امریکا و در ضدیت با شوروی جلوگیری نماید.

تا جائیکه دیده می شود روس ها درین پالیسی با دولت ایران بسیار نزدیک و موفق شده و به وضاحت دیده می شود که حکومت ایران تلاش دارد، در ساختار دولت آینده افغانستان از طریق شرکت رهبران گروه های شیعه مذهب افغان برای خود جای پای داشته باشد.

روی این اساس چند بار رهبران رژیم خمینی با رهبران گروه های شیعه مذهب افغانستان در ایران و بعداً با رهبران مجاهدین سنی مذهب در پاکستان وارد مذاکره شده و آقای ولایتی وزیر خارجه آنکشور نیز سفری به پاکستان نموده و از نزدیک با رهبران مجاهدین و حکومت پاکستان بحث و گفت و گو کردند، که در اثر این تماس ها و تلاش ها کنفرانس راولپندی دایر گردید و در آن بیش از پنجمصد نفر به نام نمایندگان مردم افغانستان گرد هم جمع شده تا دولت موقت را تأسیس نمایند، ولی از آنجائیکه رؤسای تنظیم ها نمایندگان واقعی مردم افغانستان نیستند و بنا بر ايجاب سیاست امریکا که در حال حاضر در قضیه افغانستان منافع آن با تأسیس یک حکومت ائتلافی در افغانستان سازش پذیر نیست نمایندگان سنی مذهب به اشاره امریکا از شرکت نمایندگان شیعه مذهب افغان مقیم ایران در مجلس مانع شدند و بدین ترتیب مجلس در کمتر از یکساعت بدون کدام نتیجه سقوط نمود.

بنا بر تازه ترین خبر رسیده انجنیر احمد شاه به حیث صدراعظم دولت موقت از سوی هفت گروه پیشاور نشین تعیین گردیده است، شخص مذکور یک سال قبل هم به صفت رئیس دولت موقت معرفی شده بود که به اظهار بعضی ها نه تنها مورد تأیید هشت گروه شیعه مذهب افغان مقیم ایران قرار ندارد، بلکه از پشتیبانی گروه های مقاومت افغان در پیشاور نیز چندان برخوردار نیست، البته این عمل کدام ابتکار تازه نبوده و اشتباه نشود که انجنیر احمد شاه شخصی است غیر از انجنیر احمد شاه مسعود که به صفت آمر جبهات سمت پنجشیر می باشد.

خلاصه آنچه مایه نگرانی است اینست که مردم افغانستان سال های سال در تحت نفوذ حکومت های مذهبی بسر برده و به خصوص در این مدت ده سال اخیر نه تنها زیر آتش خشم و تعصب کمونیزم روسی قرار داشته، بلکه از سوی رژیم های اسلامی متعصب ایرانی و پاکستانی چنان تحت فشار قرار گرفته اند که تقریباً به صورت کل روابط مردم عادی با عناصر روشنفکر قطع گردیده و به همین علت اکثریت مردم افغانستان بدون کوچکترین پایگاه فکری و اجتماعی سرگردانند و در اثر این چنین خلاء اجتماعی و فکری وحشتناک است که دیکتاتور های اسلامی امکان ظهور و رشد و نمو یافته اند و گستاخی و خودسری دولت ایران و پاکستان هم به جایی رسیده است که زیر نام یکتعداد جیره خواران افغانی در غیاب ملت افغانستان در کشور های خود مجلس دائر میکنند و طرز حکومت و حکم روائی را برای ملت افغانستان تعیین می نمایند، اما این را به خاطر بسپارند، ملت افغانستان همانگونه که علیه روسها عمل کرد و حکومت دست نشانده آنها را نپذیرفت، بالاترید حکومت ساخت کمپنی خمینی و پاکستانی را نیز قبول نخواهد کرد.

پاریس ۱۴ - ۲ - ۱۹۸۹ *

پایان

